



اسلام و سیاست در پاکستان

نوشته

محمد احمدی منش

تهران، ۱۳۹۵



اسلام و سیاست در پاکستان

تألیف: محمد احمدی منش
ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام
مدیر نشر: خلیل قویدل
چاپ اول: ۱۳۹۵
شمارگان، ۱۰۰۰
چاپ و صحافی: چاپ تقویم
ردیف انتشار: ۳۹
۲۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (۱)، خیابان شهید عباسی، دره بستان رستگاران، شهرزق، شماره ۹
تلفن: ۳ - ۶۸۶۱ - ۸۸۶۷۶۸۶۰ نمابر: ۸۸۶۷۶۸۶۰

www.ptc.ac.ir

سروشنامه:	احمدی منش، محمد، ۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور:	اسلام و سیاست در پاکستان / نوشت: محمد احمدی منش.
مشخصات نشر:	تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۳۸۶ ص: جدول.
فروست:	پژوهشکده تاریخ اسلام: ۳۹.
شابک:	978-600-7398-11-1
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۳۷۱] - ۳۷۶.
یادداشت:	نمایه.
موضوع:	پاکستان — تاریخ — قرن ۲۰ م.
موضوع:	اسلام — پاکستان — تاریخ
موضوع:	پاکستان — سیاست و حکومت — قرن ۲۰ م.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۵ ۵۸۴/۳ الف/۳۸۴ DST
رده‌بندی دیویی:	۹۵۴/۹۱۰۵
شماره کتابشناسی ملی:	۳۸۸۷۳۵۸

سخن اول

تاریخ هراست و جامعه‌ای ینبگ فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بده، اندام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه، هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را بر این راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علل، توانم ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف منابع اصلی، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و

رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آماده همکاری با همه کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجهه همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت ارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم سابقه پژوهشکده، تأسیس دانشنامه جغرافیا - تاریخی جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یک استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکده تاریخ اسلام به وسیله انگیزش خود با همه پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه پژوهشی بر انعکاس همه فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهنده فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع همه جانبه، که انعکاس‌دهنده همه آثار موجود در زمینه تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانه تخصصی (حقیقی و مجازی) تاسیس شده و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همه تلاشگران در راه حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای

رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام

دیباچه

گرچه بیش از هفتاد و نه سال «پاکستان» نمی‌گذرد، ولی این کشور در حقیقت دستاورد حیات تاریخی بخشی از مردمان مسلمان شبه‌قاره هند است که ریشه‌هایی بس کهن و پایدار در روزگاران و سده‌های گذشته دارد. نوشتار پیش رو روایتی است از سرگذشت پر افت و خیز این جامعهٔ مسلمان در نزدیک به دو سدهٔ اخیر؛ جامعه‌ای که همچون دیگر حایح مسلمان، چندی است در گرداب دویارگی‌های برآمده از ماجرای تجدد و نوگرایی، و کشاکش میان سنت گرایی و سودای نو شدن، فرو غلتیده است. امید است که این پژوهش خوانندگان را سودمند افتد. راه‌حسبانان را به کار آید و بر گنجینهٔ دانش نه چندان پر بار زبان پارسی دربارهٔ یک همسایهٔ نوحاسته ادبیر نیاید، وادی چند بیفزاید.

این اثر با لطف و همراهی دانش‌ورانی گران‌مایه فراهم آمد. نکات که از آن جمله‌اند حجه‌الاسلام و المسلمین دکتر رسول جعفریان، دکتر حسن حضرتی و دکتر علی‌اکبر عظیم‌زاده ظریفیان. سزااست که این بزرگواران را سپاس گزارم. با این همه هر کاستی‌ای که در محتوا و در اندیشهٔ این اثر باشد، بر عهدهٔ نگارندهٔ این سطور است.

همچنین بایسته می‌دانم از دست‌اندرکاران پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام، به‌ویژه گروه جریانات‌های فکری تاریخ اسلام، قدردانی کنم. در آشفته‌بازار همه‌گیر شدن کمیت گرایی، شیوه‌ای که این بنیاد علمی برگزیده، ستودنی و درخور احترام است. زودا که شکوفه‌های بیشتری از این درخت نیک‌بوی به بر نشینند. شایسته است از همسرم قدردانی نمایم؛ کسی که دلگرمی‌ها و همدلی‌های او پیمودن مسیر پرییچ و خم زندگی را برابم هموار و شیرین کرده است. در پایان این اثر را به زنده‌یاد پدرم و مادر بزرگوارم پیشکش می‌کنم. این دو عزیز بهترین آموزگاران و راهنمایان من بوده و هستند.

محمد احمدی منش

خرداد ۱۳۹۳ خورشیدی

فهرست مطالب

مقدمه	۱۳
فصل یکم: جنبش‌های اسلامی در سده نوزدهم	۱۹
درآمد	۱۹
۱- نخبگان مسلمان هند در سده هجدهم و نوزدهم میلادی	۲۰
۲- اندیشه‌های شامول‌الله دهلوی	۲۲
۳- شورش موتینی ۱۸۵۷ میلادی/ ۱۲۳۶ خورشیدی	۲۷
۴- اصلاح‌طلبی دینی؛ علما پس از شورش موتینی	۴۱
۵- اندیشه‌های نوگرایان مسلمان	۴۷
نتیجه	۵۷
فصل دوم: اتحاد اسلام	۵۹
درآمد	۵۹
۱- تغییر نگرش مسلمانان و تأسیس مسلم لیگ	۶۰
۲- اتحاد اسلام و جنگ اول جهانی	۶۷
۳- جنبش خلافت و عدم همکاری	۷۹
نتیجه	۸۵

فصل سوم: جنبش پاکستان (۱۹۳۰م-۱۹۴۷م/۱۳۰۹خ-۱۳۲۶خ) ۸۷

درآمد ۸۷

۱- شکل‌گیری اندیشه کشور مسلمانان (۱۹۲۵م-۱۹۳۰م/۱۳۰۴خ-۱۳۰۹خ) ۸۸

۲- تأسیس پاکستان ۱۰۰

۳- محمد اقبال لاهوری و پاکستان ۱۰۶

۴- محمد علی جناح ۱۱۴

۵- مواضع و دیدگاه‌های گوناگون دربارهٔ ایجاد پاکستان ۱۲۳

نتیجه ۱۳۱

فصل چهارم: کار در فاز سیاسی (۱۹۴۷م-۱۹۵۸م/۱۳۲۶خ-۱۳۳۷خ) ۱۳۳

درآمد ۱۳۳

۱- نخستین دشواری‌های پاکستان ۱۳۴

۲- نخستین گام اسلامی‌سازی: صندوق ايراد مقاصد (۱۹۴۷م-۱۹۴۹م/۱۳۲۶خ-۱۳۲۸خ) ۱۳۸

۳- تلاش برای همبستگی اسلام‌گرایان (۱۹۵۲م-۱۳۲۹/۱۳۳۱خ) ۱۴۹

۴- اندیشه‌های سیاسی ابوالاعلیٰ مودودی ۱۵۳

۵- جنبش ختم نبوت بر ضد قادیانی‌ها (۱۹۵۲-۱۹۵۴م/۱۳۳۱خ-۱۳۳۳خ) ۱۶۰

۶- تصویب قانون اساسی (۱۹۵۴م-۱۹۵۶م/۱۳۳۳خ-۱۳۳۵خ) ۱۷۰

۷- ناکامی در اجرای قانون اساسی (۱۹۵۶م-۱۹۵۸م/۱۳۳۵-۱۳۳۷خ) ۱۷۴

نتیجه ۱۷۹

فصل پنجم: نظامیان نوگرا (۱۹۵۸م-۱۹۷۱م/۱۳۳۷خ-۱۳۵۰خ) ۱۸۱

درآمد ۱۸۱

۱- نگاهی به سیاست‌های کلی دولت ایوب خان ۱۸۳

۲- رویکرد دینی دولت ایوب خان و واکنش اسلام‌گرایان سستی ۱۹۰

۳- پشتوانهٔ اجتماعی اسلام‌گرایان ۲۱۵

نتیجه ۲۱۸

فصل ششم: حاکمیت سوسیالیسم (۱۹۷۱م-۱۹۷۷م / ۱۳۵۰خ-۱۳۵۶خ) ۲۲۱

درآمد ۲۲۱

۱- به قدرت رسیدن حزب مردم و سیاست‌های اصلی آن ۲۲۲

۲- برنامه‌های اصلاحی ذوالفقار علی بوتو ۲۲۴

۳- سرنگونی دولت بوتو ۲۲۹

۴- سیاست‌های دینی دولت حزب مردم ۲۳۶

نتیجه ۲۴۰

فصل هفتم: ارتش و اسلام (۱۹۷۱م-۱۹۸۱م / ۱۳۵۶خ-۱۳۶۷خ) ۲۴۱

درآمد ۲۴۱

۱- فراز و فرود ژنرال ضیا الحق ۲۴۲

۲- روابط جماعت و حکومت ضیا الحق ۲۵۴

۳- اسلامی‌سازی نظام آموزش ۲۶۱

۴- ظهور مستقل شیعیان در عرصه سیاست ۲۶۵

نتیجه ۲۷۱

فصل هشتم: دهه دموکراسی (۱۹۸۸م-۱۹۹۹م / ۱۳۶۷خ-۱۳۷۸خ) ۲۷۷

درآمد ۲۷۷

۱- اتحاد ارتش، مسلم لیگ و اسلام‌گرایان (۱۹۸۸م-۱۹۹۳م / ۱۳۶۷خ-۱۳۷۲خ) ۲۷۸

۲- پیدایش نظم سیاسی دوحزبی (۱۹۹۳م-۱۹۹۹م / ۱۳۷۲خ-۱۳۷۸خ) ۲۸۷

نتیجه ۲۹۵

فصل نهم: پرویز مشرف (۱۹۹۹م-۲۰۰۸م / ۱۳۷۸خ-۱۳۸۶خ) ۲۹۷

درآمد ۲۹۷

۱- تثبیت حاکمیت مشرف ۲۹۸

۲- پاکستان پس از ۱۱ سپتامبر ۳۰۲

۳۱۰	۳- پایان مشرف
۳۱۸	۴- مشرف و مدارس دینی
۳۲۲	۵- اسلام‌گرایان در دورهٔ پرویز مشرف
۳۲۴	نتیجه
۳۲۹	فصل دهم: بازگشت دموکراسی (۲۰۰۸م-۲۰۱۳م/۱۳۸۶خ-۱۳۹۲خ)
۳۲۹	درآمد
۳۳۰	۱- پاکستان پس از مشرف
۳۴۴	۲- ارباب اسلام‌گرا
۳۴۷	۳- گرایش‌های خشونت‌های مذهبی
۳۵۶	نتیجه
۳۵۹	سخن آخر
۳۷۱	منابع و مآخذ
۳۷۷	نمایه

پاکستان، کشوری که نزدیک به هشتاد سال پیش پا به عرصه وجود گذاشت، در جایی واقع شده که از دیرباز نقطه برخورد و تماس دو کانون مهم تمدن یعنی هند و ایران به شمار می آمده است. البته این سرزمین در واقع بیشتر از همه به تمدن هند پیوسته بود و حتی خاستگاه تمدن هند، همان سندی است که اینک یکی از استان های پاکستان به شمار می رود؛ با این حال به سختی می توان برای دادوستدهای فرهنگی و تمدنی که میان سند و پنجاب از یک سو و تمدن ایرانی از سوی دیگر جریان داشته حد و مقداری برآورد نمود. البته پیشینه این دادوستد به خاستگاه نژادی مشترک آریایی اریایی و هندی باز می گردد؛ اما این جریان در درازنای تاریخ نیز همواره تداوم یافته است. مجموعه پنج سده پیش از میلاد حضرت مسیح (ع)، هنگامی که شاهنشاهی هخامنشی ایرانی، مستقیم یا غیرمستقیم، آسیای باختری را به زیر یک قلمروی سیاسی یکپارچه درآورد، هند در گوشه شمال غربی شبه قاره نیز بدان پیوسته شد؛ اما پس از گسترش اسلام در غرب آسیا و شمال آفریقا، روابط تمدنی و فرهنگی میان جهان ایرانی که اسلام بدان راه یافته بود، شبه قاره، دستخوش دگرگونی عظیمی گشت. از این پس روابط هندوستان و ایران در دو الگوی اصلی ادامه پیدا کرد: نخست، حمله های نظامی که از طرف غازیان و فرمانروایان مسلمان، به خاطر گسترش و تبلیغ دین تازه صورت می گرفت؛ دوم جریان گسترده سفر و مهاجرت انبوه بازرگانان، صوفیان و مردمان عادی مسلمان به شبه قاره هند که اغلب ایرانی نژاد و

فارسی‌زبان بودند. زمینه و محرک اصلی این سفرها و مهاجرت‌ها، رونق یافتن بازرگانی و تجارت پس از گسترش یافتن مرزهای اسلام بود و برخلاف عامل نخست، دولت‌ها و فرمان‌روایان نقش اندکی در آن داشتند. ناگفته پیداست که هر دو عامل مذکور بیش از هر بخش دیگر از شبه‌قاره، با ناحیه شمال باختری آن سروکار داشتند. روند گرویدن مردمان شمال غربی شبه‌قاره هند و دیگر مناطق آن به اسلام نیز به‌طور عمده از همین طریق صورت گرفت و از اینجا بود که جوامع مسلمان در شبه‌قاره پدید آمدند. همین امر سنگ‌بنایی گردید برای آنکه چندین قرن بعد، کشور مستقل پاکستان به‌عنوان وطن مسلمانان شبه‌قاره هند در گوشه شمال‌غربی آن (و البته پاکستان خاوری یا بنگلادش در شمال شرقی) پا به عرصه وجود نهد.

در چند سده گذشته در کنار تمدن هندی و نیز ایرانی اسلامی، مسلمانان شبه‌قاره دست‌کم از دو جای دیگر که پیش از درخور ذکرند، تأثیر فراوان پذیرفته‌اند؛ نخست استعمارگران بریتانیایی بودند که از اوایل سده هفدهم میلادی پا به هندوستان نهادند و در اوایل سده نوزدهم میلادی به شمال‌غربی آن رسیدند. بریتانیایی‌ها در کنار چپاول منابع مادی و معنوی هندی‌ها، ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تازه‌ای را در شبه‌قاره به وجود آوردند که تأثیری پایدار و همیشگی بر حاکمیت و هویت فرهنگی تازه‌زاده شدند. بر جای نهادند. افزون بر بریتانیایی‌ها، دولت‌های عرب سواحل جنوبی خلیج فارس و عربستان نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از میانه سده نوزدهم میلادی با آیین وهابیت تأثیر و نقش به‌سزایی در شکل‌گیری گرایش‌ها و فرهنگ مذهبی مسلمانان شبه‌قاره و سپس پاکستان داشته‌اند. این نکته را هم باید گوشزد کرد که به‌رغم کاربرد گسترده و بی‌رویه بی‌فرهنگانه و انتساب افراد و گروه‌ها به آن و نیز شباهت و همانندی برخی جریان‌های مذهبی شبه‌قاره با تفکر وهابی‌گری، تأثیر واقعی و مستقیم وهابیت در پاکستان را باید از میانه سده بیستم میلادی به این سو و به پشتوانه ثروت‌های نفتی این کشورهای عربی جستجو کرد.

به‌هرحال در اوت ۱۹۴۷م/مرداد ۱۳۲۶خ هم‌زمان با واگذاری رسمی حاکمیت سیاسی از بریتانیا به مردم هند، کشور پاکستان بنابر توافقی که از پیش میان کنگره ملی هند، مسلم‌لیگ و دولت بریتانیا صورت گرفته بود، استقلال از بریتانیا و جدایی از هند را اعلام کرد. پیدایش پاکستان به رهبری مسلم‌لیگ سراسر هند (All India Muslim League) و محمدعلی جناح، ثمره

و نتیجه فعالیت‌ها و خیزش‌های مسلمانان شبه‌قاره در فرآیندی درازآهنگ بود که مراحل گوناگونی از سر گذراند؛ اما نکته مهم این است که این تلاش‌ها به هیچ روی با وفاق کلی بر سر آرمان‌های اصلی مسلمانان همراه نبود و در هر دوره، در میان رهبران مسلمان هند و نیز توده مسلمانان اختلاف‌نظر و دیدگاه بنیادین وجود داشت که این امر برخاسته از شرایط پیچیده و ویژه شبه‌قاره هند بود که در اینجا اشاره‌ای کوتاه به آن سودمند است. مسلمانان هندی با دو دشمن یا دوست بالقوه، هندوها و بریتانیایی‌ها روبه‌رو بودند. اکثر هندوها در شبه‌قاره بودند و ساکنان و صاحبان اصلی این سرزمین و میراث‌بران تاریخ، فرهنگ و تمدن آن به‌شمار می‌رفتند. به‌رغم چندین قرن ستم‌زستی مسلمانان و هندوها، این دو قوم هیچ‌گاه همدلانه در هم نیامیختند. در سده‌های متمادی مسلمانان، تازه واردان، چشم به سوی جوامع، دولت‌ها و سرزمین‌های مسلمان غرب آسیا داشتند و هندوها را «شیع‌الشرک و بت‌پرست» به‌شمار می‌آوردند؛ در عوض هندوها نیز مسلمانان را «مردمانی بیگانه» می‌دانستند. دین و دلبستگی‌های اعتقادی و فرهنگی و نمادهای سیاسی آن‌ها با انبوه دین‌ها و آیین‌هایی که در هند رواج داشت، یکسره متفاوت بود. از این رو موضع و رویکرد اصلی مسلمانان هند در تازه‌زمان‌ها در یک سده پیش از تجزیه شبه‌قاره همچون پیوستاری بود که در دو سر آن، گروهی خواهان همکاری و هم‌دلی با همه هندی‌ها از هر دین و آیین برای بیرون راندن استعمارگران بریتانیایی بودند. گروه دیگر اکثریت هندوها را تهدید اصلی مسلمانان می‌دانستند نه بریتانیایی‌ها. این گروه دوم در آغاز خواستار قبول حاکمیت بریتانیایی‌ها و سپس تشکیل کشوری مستقل و جداگانه برای مسلمانان شدند. برای فهم درست جنبش‌های مسلمانان که در دهه‌های پیش از تجزیه شبه‌قاره ایجاد آمد و پیچیدگی‌های آنها، در نظر داشتن این گونه‌گونی‌ها بایسته و ضروری است.

پاکستان در ۱۱ اوت ۱۹۴۷م/ ۲۰ مرداد ۱۳۲۶خ با انبوه دشواری‌هایی که در پیش روی خود داشت، تأسیس گردید. در وهله نخست این کشور تازه‌بنیاد فاقد دستگاه اداری و نظام سیاسی کارآمد بود. مسلم‌لیگ در واقع به محل تجمع فئودال‌ها و رهبران سنتی و قدیمی تبدیل شده بود که بسیاری از آن‌ها پس از حتمی‌شدن تشکیل کشور جدید بدان پیوسته بودند؛ و از این رو این حزب کارایی چندانی نداشت. در این میان، محمدعلی جناح که بار جبران این کاستی‌ها را بر دوش نهاده بود، تنها چند ماه پس از تأسیس پاکستان در گذشت. پاکستان در سال‌های آغازین، هنگامی که سیاست‌مداران و احزاب پرشمار و سست‌بنیان

آن تلاش می کردند تا قانون اساسی کشور را تدوین نمایند، با چندین دشواری و چالش مهم روبه‌رو شد که عبارت بودند از تقسیم قدرت میان استان‌ها به‌ویژه دو نیمهٔ خاوری (بنگال) و باختری (شامل پنجاب، سند، سرحد شمال غربی و بلوچستان)؛ تعیین زبان رسمی کشور؛ مسئلهٔ کشمیر و اختلاف با هند بر سر آن و سرانجام نقش و جایگاه اسلام در ساختار سیاسی و قانون اساسی کشور. این دشواری‌ها همچنان به صورت‌های گوناگون پابرجا هستند یا همچون مسئلهٔ بنگلادش به گونه‌ای اندوه‌بار خاتمه یافته‌اند.

بر سیاههٔ بالا موارد مهم دیگری را هم باید افزود که از جملهٔ مهم‌ترین آن‌ها این است که هر به نیمهٔ شرقی و غربی پاکستان پیش از استقلال در شمار بخش‌های توسعه‌نیافته و عقب‌ماندهٔ شبه‌قاره بودند. بهره‌مند نبودن از منابع ثروت طبیعی، نسبت جمعیت روستایی بسیار بالا، بی‌سواد، فراقیر، محرومیت و فقر اقتصادی گسترده به همراه نابرابری، کمبود نیروی انسانی متخصص و دانش‌آموخته و نظام فئودالی پابرجا و استوار (به‌ویژه در نیمهٔ باختری پاکستان) از پدیده‌های عقب‌ماندگی بخش‌هایی بودند که پاکستان را تشکیل دادند. پاکستان در حال حاضر نیز با پدیده‌های توسعه‌نیافتگی دست‌به‌گریبان است. این کشور نه دارای منابع و ثروت طبیعی فراوانی است که هزینه‌های توسعه را تأمین نماید و نه از ثبات سیاسی برخوردار است که در اثر آن حکمت‌میرومند و فراگیر را بر کشور برقرار سازد.

چندگانگی و تکثر قومی و زبانی جانش دیگر پاکستان از همان آغاز تا کنون تأسیس بوده است. این اقوام با بی‌بهرگی از هویت تاریخی، ملی فراگیر، همواره گرایش به واگرایی و خودمختاری داشته‌اند و از دل‌بستگی یک‌پارگی نسبت به حفظ و پایدار ماندن پاکستان برخوردار نبوده و نیستند. تنظیم مناسبات آن‌ها با یکدیگر و نیز با دولت مرکزی و مهار آن‌ها همواره یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها و سیاست‌مداران پاکستانی در دهه‌های پس از تأسیس و استقلال کشور بوده است.

در کنار همهٔ اینها، امروزه پاکستان با دو پدیدهٔ بی‌ثباتی و بنیادگرایی مذهبی بیش از هر چیز دیگر شناخته می‌شود. انتقال قدرت به شیوهٔ قانونی تنها پس از گذشت بیش از شش دهه از تاریخ این کشور تجربهٔ عملی یافته است. قتل بلندپایگان سیاسی (به‌صورت ترور یا اعدام)، کودتای نظامی و حاکمیت نظامیان، انحلال دولت و مجلس‌های ملی و استانی و اصلاحیه‌های پرشمار قانون اساسی، با اندکی اغراق پدیده‌های عادی و روزمره در تاریخ سیاسی پاکستان

به‌شمار می‌روند. علت این بی‌ثباتی هر چه باشد، نه‌تنها چاره‌جویی برای دشواری‌های پاکستان را به تأخیر انداخته؛ بلکه در گذر زمان فراوانی و حجم آن‌ها را نیز افزوده است.

سرانجام آن که پاکستان به نام اسلام، و برای آن که کشوری باشد که مسلمانان شبه‌قاره به دور از سیطرهٔ هندوها و بریتانیایی‌ها در آن زندگی کنند، به وجود آمد. این، خواسته و انگیزهٔ نخستین رهبران و بنیان‌گذاران پاکستان بود؛ اما بخشی از علما و گروه‌های اسلام‌گرا خواستار آن شدند که افزون بر آن، شریعت نیز در پاکستان حاکمیت و برتری یابد. همین امر سرآغاز و خاستگاه بیشتر کشاکش‌هایی شد که از هنگام تأسیس تا کنون ربان هویت اصلی پاکستان، رابطهٔ آن با اسلام و جایگاه اسلام در ساختار سیاسی و قانونی آن جریان دارد. در این میان پیشینهٔ بسیاری از جریان‌های سیاسی و فکری جدید در پاکستان به سدهٔ هجده میلادی و اندیشه‌های شاه‌ولی‌الله دهلوی باز می‌گردد که بسیاری وی را حدفاصل میان تفکر دینی مربوط به سده‌های میانه و دورهٔ جدید در شبه‌قاره می‌دانند؛ از همین رو کتاب حاضر نیز با بررسی اندیشه‌های وی آغاز می‌گردد.

با شاه‌ولی‌الله دهلوی جریان مهم و بانفوذ اصلاح‌طلبی دینی در میان مسلمانان هند آغاز گردید؛ جریانی که گاه به خطا وابسته به وهابیت و گاه به دنبالهٔ آن انگاشته می‌شود. چنین می‌نماید که شباهت‌های موجود میان این دو جریان که البته درخور توجه نیز هستند، برخاسته از درک و آسیب‌شناسی کمابیش همسان بخشی از اندیشمندان مسلمان در دوره‌ای خاص، از اوضاع و احوال مسلمانان و به‌طور کلی عالم اسلام، ریشه دارد. جریان اصلاح‌طلبی دینی از مسیر پریپچ‌وخمی گذر کرد و فرازونشیب‌ها و دگرگونی‌هایی بسیاری به خود دید و به هر ترتیب امروز جریان معروف به مکتب دیوبندی با سازمان‌دهی گروه‌های پرشمار وابسته، خود را دنباله و امتداد آن می‌داند. اگر از سیر تحول و تکامل جریان دیوبندی در دهه‌های پیشین هم چشم‌پوشیم، در سال‌های اخیر مکتب دیوبند با وادایی گری بسیار درآمیخته است. این پدیده علت‌های چندی دارد و از یک نظر پیامد ضعف بنیان‌های اقتصادی پاکستان و غنای کشورهای است که وهابیت از آن‌ها سر برآورده است.

در کنار جریان اصلاح‌طلبی دینی، باید از جریان بانفوذ دیگری هم در این مقدمه سخن به میان آورد که در سنت و فرهنگ دینی تاریخی شبه‌قاره ریشه دارد و آن مکتب صوفی‌گرای بریلوی است. در اینجا به همین توضیح اندک بسنده می‌کنیم که بریلوی‌ها برخلاف دیوبندی‌ها علاقهٔ چندانی به حضور فعال در سیاست ندارند. در بسیاری از اوقات

آن‌ها در نقطهٔ مقابل دیوبندی‌ها قرار می‌گیرند و حتی خود را عهده‌دار جلوگیری از گسترش این مکاتب و نیز آموزه‌های وهابیت می‌دانند.

اما تجدّد در هند و سپس پاکستان، همچون دیگر جوامع سنتی، پیامدهای دامنه‌داری بر جای گذاشته است. در اینجا نیز دو فضای ذهنی و اجتماعی شکل گرفته که یکی به سنت وابسته است و دیگری به تجدّد. این دوگانگی، در ساختار جامعهٔ مسلمانان هند و پاکستان نمود پیدا کرده و آن را دستخوش دگرگونی و شکاف‌های ژرفی کرده است؛ چنان‌چه مطالعه و ژرف‌کاوی دربارهٔ هیچ‌یک از موضوع‌های فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی بدون در نظر داشتن این دوگانگی و پیامدهای آن، واقع‌بینانه نیست.

در این مقدمه به همین مختصر دربارهٔ اندیشمندان، گروه‌ها و جریان‌های دیگر اسلام‌گرا و مذهبی برآمده می‌سیم و پیش از آن را به بخش‌های آیندهٔ این کتاب وامی‌نهم. در آخر یادآوری دو نکته دربارهٔ محتوای این کتاب سودمند به نظر می‌رسد؛ نخست این که اگرچه عنوان کتاب به پاکستان اشاره دارد، اما برای واکاوی و بررسی دقیق‌تر اسلام و سیاست در این کشور، باید همچنین به بررسی زمینه‌ها و رابدهای پرداخت که پیش از پیدایش آن پدید آمدند و در شکل‌گیری تاریخ پاکستان دارای اهمیت هستند؛ از این رو، آغازگاه مطالعهٔ ما در قلمروی جریان‌های فکری مذهبی، همچنان که گفته شد، هولی‌الله دهلوی است. در قلمروی تاریخ سیاسی نیز شورش میروت یا موتینی در سال ۱۸۵۷ م/ ۱۲۳۶ خ را آغازگاه خود قرار داده‌ایم. این شورش بزرگ را می‌توان جداکنندهٔ تاریخ قدیم و جدید هند و مسلمانان آن دانست.

نکتهٔ دوم اینکه خواننده نباید گمان کند که کتاب، به شرح کاملی از تاریخ مسلمانان شبه‌قاره و پاکستان ارائه می‌دهد. در واقع بخش قابل‌توجهی از رخدادهای و تحولات نادیده گرفته شده یا اشاره‌موار مطرح گردیده‌اند. از آن جمله رخدادهای پیش و پس از جزیرهٔ بیه‌قاره در بنگال، روابط خارجی پاکستان، جنگ‌های هند و پاکستان، و نیز سرگذشت و نقش بسیاری از احزاب کوچک و بزرگ پاکستان به‌ویژه احزاب سوسیالیست (به جز حزب مردم) که نقش مهمی در تاریخ سیاسی این کشور بازی کرده‌اند. اینها و بسیاری مسائل دیگر از آنجا که با موضوع و ساختار این کتاب، آن‌چنان که نویسنده در نظر داشته ارتباط اندکی دارند، نادیده گرفته شده‌اند. البته روشن است که این موضوع‌ها در جای خود اهمیت فراوانی دارند و نویسندهٔ این سطور نسبت به این اهمیت ناآگاه نیست.